

ارزیابی نگرش جامعه روستایی به گردشگری، بر مبنای مدل معادلات ساختاری (مطالعه موردی: منطقه کوهستانی رودبار قصران، شهرستان شمیران)^۱

لیلا وثوقی* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران
فضیله خانی - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
سیدحسین مطیعی لنگرودی^۲ - استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
محمدتقی رهنمایی - استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۷/۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱/۳۰

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی نگرش و حمایت جامعه محلی از گردشگری در منطقه‌ای روستایی و کوهستانی می‌پردازد. هدف اصلی این تحقیق بررسی نگرش ساکنان منطقه به گردشگری و ظرفیت‌های حمایت و مشارکت آنان و عوامل تأثیرگذار بر این نگرش، بر مبنای نظریه تبادل اجتماعی است. محدوده انجام تحقیق، بخش رودبار قصران است و جامعه آماری آن را ۲۷۰ نفر از ساکنان روستایی این بخش تشکیل می‌دهند. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و داده‌های مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه کنترل‌شده، جمع‌آوری گردیده‌اند. مدل معادلات ساختاری با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای SPSS و Lisrel، برای تحلیل داده‌ها، مورد استفاده قرار گرفته است. با یافتن متغیرهای تأثیرگذار، مدل فرضی متشکل از ۵ ساختار پنهان - مبتنی بر ۹ مسیر فرضی - طراحی شد، که در تحلیل داده‌ها شش گویه در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ تأیید شدند. این بدین معناست که اگرچه درک تأثیرات مثبت گردشگری ساختاری است که قوی‌ترین ارتباط را در تعیین نگرش و حمایت از توسعه آن دارد، اما ساختارهای دیگری نیز در این زمینه دخیل‌اند، که باید به آنها توجه شود.

کلیدواژه‌ها: گردشگری روستایی، جامعه روستایی، تأثیرات گردشگری، مدل معادلات ساختاری، رودبار قصران.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری لیلا وثوقی با عنوان تحلیل فرایند توسعه گردشگری در مناطق روستایی است.
* نویسنده مسئول:
vossoughi.la@gmail.com

۲. عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران

مقدمه

توسعه گردشگری همانند شمشیری دو لبه برای جامعه محلی عمل می‌کند: هم می‌تواند منفعی را به وجود آورد، و هم هزینه‌هایی را تحمیل کند. در جامعه‌ای که مقصد گردشگری است، کیفیت زندگی ساکنان آن در همه ابعاد از گردشگری تأثیر می‌پذیرد. از این رو در مطالعات گردشگری، به ویژه در دو دهه اخیر، ساکنان به مثابه هسته اصلی بسیاری از تحقیقات گردشگری در نظر گرفته شدند. هدف اصلی این تحقیقات، یافتن راه‌حلی بوده است که از طریق آنها ضمن توسعه گردشگری، جامعه مرتبط با آن نیز منتفع گردند و تأثیرات نامطلوب گردشگری و به ویژه خسارت‌های زیست‌محیطی تا جایی که ممکن است کاهش یابد.

منطقه کوهستانی رودبار قصران به عنوان پسرکرانه فراغتی تهران، از دیرباز دور مورد توجه ساکنان تهران بوده است و در این میان روستاهای منطقه، به شیوه‌های گوناگون و در گذر زمان از روند تغییر و تحولات گردشگری تأثیر پذیرفته‌اند. گسترش بدون برنامه و بی‌رویه خانه‌های دوم و افزوده شدن جمعیت بسیاری از روستاهای منطقه در تابستان - و گاه نیز زمستان - و روزهای تعطیل سال، و در کنار آن، رشد کمی گونه‌های متنوعی از گردشگران روزانه، از مهم‌ترین مسائل و چالش‌های منطقه به شمار می‌آید. فقدان برنامه‌ریزی، مدیریت، و اتخاذ رویکرد مشخص برای سامان‌دهی توسعه گردشگری، باعث شده است که زندگی ساکنان از جنبه‌های گوناگون مورد تهدید جدی قرار گیرد. از طرف دیگر، ضرورت حفاظت از مجموعه عظیمی از منابع و جاذبه‌های متنوع و ارزشمند طبیعی، در قالب یک اکوسیستم حساس کوهستانی که به حال خود رها شده و تحت تأثیر فشارهای جمعیتی و گردشگری ناپایدار در حال نابودی است، به شدت احساس می‌شود. اساساً به دلیل شرایط خاص گردشگری در محیط کوهستان و آسیب‌پذیری و حساسیت زیاد این اکوسیستم، گردشگری جامعه‌محور در مناطق کوهستانی بهترین شیوه توسعه گردشگری است، زیرا در این صورت همراه با کسب منفعت اقتصادی و لذت‌جویی هر چه بهتر گردشگران، حفاظت از این میراث طبیعی و انسانی نیز بهتر انجام خواهد گرفت (Jackson & Inbakaran, 2006, 356; GURSOY, JUROWSKI & UYSAL, 2002, 81).

در این زمینه، بررسی نگرش ساکنان و تمایل آنها به حمایت و مشارکت توسعه گردشگری، از مهم‌ترین موضوعات در خور بررسی است. پرسش‌هایی نیز در همین زمینه مطرح گردیده که فرایند تحقیق بر محور یافتن پاسخ همین پرسش‌ها به پیش رفته است: درک ساکنان روستایی در این منطقه کوهستانی از تأثیرات گردشگری چگونه است و آیا رابطه‌ای با کسب منفعت شخصی دارد؟ آیا میزان رضایت کلی ساکنان از روستای محل سکونت‌شان بر حمایت آنان از توسعه گردشگری تأثیر می‌گذارد؟ اساساً چه چیزی آنان را به حمایت از توسعه گردشگری و مشارکت در آن ترغیب می‌کند؟ در همین زمینه، این تحقیق با مدل‌سازی نگرش ساکنان از طریق طراحی مدل فرضی با ۵ ساختار پنهان و ۹ گویه یا مسیر فرضی، مبتنی بر متغیرهای تأثیرگذار و نظریه تبادل اجتماعی و با استفاده از داده‌های به دست آمده از پرسشنامه‌ها و مدل معادلات ساختاری، مسیرهای فرضی را آزموده است.

مبانی نظری پژوهش

شواهد فراوان در جهان حاکی از آن‌اند است که توسعه گردشگری از توسعه اقتصادمحور رایج، به سمت توسعه اجتماعات پایدار سوق یافته است و گردشگری پایدار سعی دارد تا فشار بین سه بعد پایداری را تعدیل کند. با تأثیرگذاری در سه بعد پایداری اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی، ضمن جلب مشارکت جوامع محلی در توسعه اقتصاد ملی با پتانسیل حفظ و حمایت از منابع طبیعی و محیط زیست پایداری نیز حاصل می‌گردد (افتخاری، مهدوی و پورطاهری، ۱۳۸۹، ۶-۵). در بخش عمده‌ای از مطالعات مربوط به جوامع محلی، به بررسی نگرش و درک تأثیرات و میزان حمایت و مشارکت مردم محلی در توسعه گردشگری معطوف گردیده است. هدف اصلی این مطالعات ارائه راه‌حل‌هایی بوده است که از طریق پررنگ کردن نقش جامعه محلی در نظام گردشگری، بتوان گردشگران و ساکنان و محیط زیست را در تعاملی پایدار و مناسب قرار داد (Bramwell & Sharman, 2000, 32). از طرفی، با توجه به جاذبه‌های فراوان و همچنین افزایش تقاضا و تنوع فعالیت‌های گردشگری - تفریحی، در مناطق کوهستانی و آسیب‌پذیری زیادی این مناطق، تجارب نشان داده است که توجه به رویکرد جامعه‌محور

گردشگری، نتایج بهتری را در پی خواهد داشت (Fust, 1999, 456). رویکرد جامعه‌محور بر همین مبنا به راهبرد توسعه گردشگری در برخی از مناطق کوهستانی جهان بدل گردیده است. درباره ویژگی‌های آن، می‌توان گفت که گردشگری جامعه‌محور کوهستان در حالت ایده‌آل، با مشارکت جامعه محلی شروع و اداره می‌شود، هماهنگی کاملی با فرهنگ ساکنان دارد، و آنان مسئولیت نظارت بر مدیریت و کاربری اراضی و مواردی از این دست را به عهده می‌گیرند. افزون بر اینها، بر حفاظت از منابع کوهستان و رفاه جامعه (محلی) — و نه منافع شخصی — تأکید می‌کند. اساساً افزایش استفاده از منابع طبیعی محیط کوهستان می‌بایست با افزایش نقش نظارت مردم ساکن در این مناطق همراه باشد، زیرا این جوامع مناطقی هستند که تبعات منفی گردشگری را به دوش می‌کشند. قدرت عمل جامعه محلی، سازوکار یا مکانیسمی برای کنترل و حتی نظارت مداوم است؛ ضمن آنکه می‌تواند موقعیت اجتماعی — اقتصادی ساکنان را با تکیه بر رفاه و بالا رفتن استاندارد زندگی، بهبود بخشد. تقویت میزان کنترل و نظارت آنان منجر به افزایش آگاهی‌های زیست‌محیطی و حتی فرهنگی می‌شود و در عین حال انگیزه لازم را برای مدیریت پایدار منابع کوهستان نیز فراهم می‌کند (Beyers & Pratt, 1998, 12). در صورتی می‌توان از پتانسیل حمایت جامعه محلی بهره برد که نگرش آنان به گردشگری و گردشگران مثبت باشد. درک و حتی پیش‌بینی نگرش ساکنان از توسعه گردشگری و عواملی که می‌تواند عکس‌العمل آنها را تحت تأثیر قرار دهد، در دستیابی به حمایت ساکنان برای توسعه گردشگری ضروری است (Gursoy & Rutherford, 2004, 498). نگرش و رفتار جامعه محلی در برابر گردشگری، به موارد متعددی بستگی دارد و آنان در واکنش یا مخالفت در برابر آن و یا حمایت از آن، به یک‌سان عمل نمی‌کنند (Liu, 2005, 1364; Yoon, Gursoy & Chen, 2001, 364). برای بررسی نگرش و پیش‌بینی حمایت ساکنان و عوامل تأثیرگذار بر آن، روش‌های گوناگونی وجود دارد. تمرکز بیشتر مطالعات، مبتنی بر بررسی درک ساکنان از تأثیرات گردشگری در سه دسته‌بندی مبنایی تأثیرات اقتصادی و اجتماعی — فرهنگی و زیست‌محیطی و شناسایی دیگر عوامل و متغیرهای تأثیرگذار — و میزان هر یک از آنها — متمرکز بوده است. برخی از این تحقیقات بر ویژگی‌ها و متغیرهای اجتماعی و جمعیتی تمرکز داشته‌اند که از جمله

متغیرها عبارت‌اند از جنس؛ سن، تحصیلات، اشتغال، ارتباط شغلی با گردشگری، مدت زمان سکونت در مقصد، محل تولد و نظایر اینها (Wang, 2006, 415). مطالعات حاکی از آن‌اند که در جوامع کوچک و روستایی، که مردم نگرش مثبت و رضایتمندی بیشتری نسبت به گردشگری دارند، بهبود وضعیت اقتصادی مهم‌ترین دلیل بوده است (Jackson & Inbakaran, 2006, 356). با تحقیقات بیشتر در این زمینه، متغیرهای دخیل دیگری نیز شناسایی شده‌اند، که از رابطه معنادار میان درک تأثیرات گردشگری و نگرش مثبت و تمایل به مشارکت و حمایت از آن حکایت می‌کنند. برخی از مهم‌ترین متغیرها در این زمینه عبارت‌اند از: منفعت شخصی، وابستگی به جامعه یا طول مدت سکونت، اطلاعات یا دانش درباره گردشگری، نزدیکی با مرکز گردشگری، اعتماد یا دلگرمی شخصی نسبت به گردشگری و سطح مشارکت در فعالیت‌های تفریحی، موقعیت اجتماعی فرد، میزان توسعه‌یافتگی مقصد، گونه گردشگری، فصلی بودن گردشگری و میزان برخورد ساکنان با گردشگران (Gursoy & Rutherford, 2004, 3-4; Osti, Gabriel & Faccioli, 2009, 496).

بسیاری از مطالعاتی که در سال‌های اخیر در زمینه نگرش ساکنان به گردشگری انجام گرفته، مبتنی بر نظریه تبادل اجتماعی^۱ بوده‌اند (Jackson & Inbakaran, 2006, 355-359; Yutyunyong, 2009, 4). اگر چه این نظریه دارای خاستگاه‌های جامعه‌شناختی - روانشناختی و اقتصادی است، اما از دهه ۱۹۹۰ بدین سو، محققان گردشگری نیز بدان توجه کرده‌اند. نخستین بار اپ^۲ (۱۹۹۲) این نظریه را در گردشگری مطرح ساخت. وی با تأکید بر اهمیت نقش ساکنان در توسعه گردشگری، اظهار داشت که ساکنان، گردشگری را بر حسب مبادلات اجتماعی و هزینه - منفعت مورد انتظار یا به دست آمده که در نتیجه این تبادل متحمل می‌شوند، ارزیابی می‌کنند (Osti, Gabriel & Faccioli, 2009, 3-4).

1. Social Exchang Theory (SET)

2. Ap

مطالعات پردو^۱ (۱۹۹۲) درباره درک روستاییان از تأثیرات توسعه گردشگری و حمایت برای توسعه آن در زمره مطالعات مهم در این زمینه به شمار می‌آید. وی ارتباطات بین منفعت شخصی و درک ساکنان از پیامدها و حمایت از آن را همراه با مدلی ارائه کرد که ارتباطات فرضی میان این متغیرها را به نمایش می‌گذاشت. او دریافت که اگر ساکنان به تأثیرات مثبت گردشگری و کسب منفعت خوشبین باشند، تمایل به حمایت و همکاری خواهند داشت و اگر آنان به این باور برسند که منافع گردشگری بیشتر از هزینه‌های آن است، به درگیر شدن در این تبادل علاقه‌مند می‌شوند. برعکس، وقتی فردی احساس کند که هزینه‌های ارتباطی بیش از منافع آن است، پیش‌بینی می‌شود که این فرد ارتباط را ترک خواهد گفت و یا تمایلی به مشارکت و حمایت در آینده نخواهد داشت (Ko, 2002, 524). از آنجا که مهم‌ترین منافع مؤثر در ارتقای گردشگری همانا منافع اقتصادی است و جوامع محلی نیز انتظار دارند که در فرایند رشد گردشگری از آن بهره‌مند گردند، بیشتر مطالعاتی که تاکنون در مورد این نظریه انجام گرفته، مبتنی بر هزینه و منفعت اقتصادی است و به دیگر منافع گردشگری اهمیت کمتری داده شده است. ضمناً زمانی که گردشگری در مقصدی منجر به کسب منفعت اقتصادی مناسبی برای ساکنان نشده باشد، توجه به ساکنان اهمیت بیشتری می‌یابد. به هر صورت، تبادلات در مقصد گردشگری اتفاق می‌افتند، و برخی از ساکنان عمدتاً منفعی از گردشگری به دست می‌آورند، ولی برخی نیز ممکن است تنها متحمل هزینه‌های گردشگری گردند (Dyer & Gursoy, 2007, 411).

رضوانی و صفایی در تحقیق‌شان، با بررسی تأثیرات خانه‌های دوم در حوضه آبخیز سد لتیان (بخش لواسانات و رودبار قصران)، به این نتیجه رسیده‌اند که مردم و مسئولان، به رغم آنکه گردشگری در این منطقه تأثیرات منفی فراوان دربردارد، به نقش مؤثر آن در توسعه منطقه

1. Perdu

معتقدند، به نحوی که ۴ درصد از مردم و ۴۸ درصد از مسئولان محلی به تأثیر زیاد، و خیلی زیاد و ۴۸ درصد از مردم و ۳۸ درصد از مسئولان به تأثیر متوسط گردشگری در توسعه منطقه باور دارند (رضوانی و صفایی، ۱۳۸۴، ۱۱۸). اما ضیایی و صالحی‌نسب در تحقیق مشابه دیگری درباره تأثیرات گردشگری خانه‌های دوم در بخش رودبار قصران، با بررسی تأثیرات و با توجه به پرسش به عمل آمده از مردم محلی و تطبیق آنها با مدل چرخه حیات باتلر، به این نتیجه رسیده‌اند که تنها کمتر از هفت درصد از ساکنان روستایی با توسعه خانه‌های دوم در منطقه موافقت داشتند؛ و بقیه اهالی، عمدتاً نگران آثار ناخواسته فرهنگی گردشگری (نارضایتی مردم محلی از برخی از الگوهای رفتاری این گردشگران) هستند و کمتر برای منافع اقتصادی گردشگری از جمله ایجاد فرصت‌های شغلی و کسب درآمد ارزش قائل‌اند (ضیایی و صالحی‌نسب، ۱۳۸۷، ۸۱). افزون بر اینها، دادورخانی و نیک‌سیرت در پژوهشی در منطقه خرانق یزد با اذعان به حساس بودن اکولوژیکی منطقه، به تبیین راهبرد براساس بهره‌گیری از دیدگاه‌های مردم محلی و گردشگران پرداختند. آنان در نهایت، هم‌سو کردن برنامه‌های گردشگری تاریخی را با برنامه‌های طبیعت‌گردی، به عنوان راهبرد مناسب تشخیص دادند (دادورخانی و نیک‌سیرت، ۱۳۸۹، ۶۸).

از طرفی هم ورگاس - سنچز و همکاران براساس تحقیقات‌شان در این زمینه بر این نکته تأکید کرده‌اند: «از آنجا که اکثریت ساکنان، گردشگری را به مثابه نوعی ابزار توسعه اقتصادی می‌بینند، تعجب‌آور نیست که یافته‌های بیشتر مطالعات حاکی از آن‌اند که ساکنان به طور کلی نگرش مثبتی به گردشگری دارند و از نگرش منفی آنان، موارد چندانی گزارش نشده است» (Vargas-sanchez, Porras-Bueno & Plaza-Mejia, 2011, 3). نظریه‌ای هم وجود دارد مبنی بر اینکه چگونه نگرش دارای ارتباط مستقیمی با میزان توسعه‌یافتگی جامعه محلی است؛ به این معنا که اگر جامعه محلی از نظر اقتصادی توسعه‌یافته باشد، تبعات منفی زیست‌محیطی و فرهنگی، بر نگرش و حمایت آنان تأثیر خواهد گذاشت (Yoon, Gursoy & Chen, 2001, 364). دلیل این نتایج متفاوت، چه بسا همین نکته باشد. در همین زمینه، مطالعات متعددی به ویژه

در دهه ۲۰۰۰ با استفاده از مدل معادلات ساختاری و مبتنی بر نظریه تبادل اجتماعی انجام گرفته است. این تحقیقات در مقیاس و شرایط مختلف، از روستاهای کوچک تا شهرها و مقاصد بزرگ گردشگری، با به کارگیری روش‌های مشابه - و گاه متغیرهای متفاوت - انجام گرفته است.

جدول ۱. خلاصه‌ای از مطالعات ارزیابی نگرش ساکنان مبنی بر نظریه تبادل اجتماعی و استفاده از مدل معادلات ساختاری بین سال‌های ۱۹۹۷-۲۰۱۱

متغیرهای مورد استفاده در این مدل	نویسندگان
متغیرهای جمعیت‌شناختی، ارزش‌ها (کسب منفعت اقتصادی، کمترین تغییر در زندگی روزانه، تسهیلات تفریحی مناسب و برابر، محیط زیست خوشایند، رضایت از تعامل با افراد غیربومی)، نگرش به توسعه گردشگری	لیندبرگ و جانسون ۱۹۹۷
اقتصادی، زیرساخت‌ها، ازدحام و آلودگی	تأثیرات گردشگری و دیگر متغیرها مانند توسعه گردشگری، منفعت شخصی بچلایتنر و زینس ^۲ ۱۹۹۹
تأثیرات اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی، تأثیرات کلی، حمایت از توسعه گردشگری	یون ^۳ ۲۰۰۱
نگرش بوم‌محور، وابستگی به محل زندگی، اولویت استفاده ساکنان از منابع گردشگری، علاقه‌مندی نسبت به محل زندگی، وضعیت اقتصاد محلی، منافع و هزینه‌های درک‌شده، حمایت از گردشگری	گورسی ^۴ ۲۰۰۲
منفعت شخصی از توسعه گردشگری، تأثیرات منفی و مثبت درک‌شده از توسعه گردشگری، رضایت از محل زندگی، حمایت از توسعه گردشگری	کو و استوارت ^۵ ۲۰۰۲

1. Lindberg & Johnson
2. Bachleitner & Zins
3. Yoon
4. Gursoy
5. Ko & Stewart

متغیرهای مورد استفاده در این مدل	نویسندگان
نگرش بوم‌محور، وابستگی به محل زندگی، اولویت استفاده ساکنان از منابع گردشگری، علاقه‌مندی به محل زندگی، وضعیت اقتصاد محلی، منافع و هزینه‌های درک‌شده، حمایت از گردشگری	جوروسکی و گورسوی ^۱ ۲۰۰۴
نگرش بوم‌محور، وابستگی به محل زندگی، اولویت استفاده ساکنان از منابع گردشگری، نگرانی از محل زندگی، وضعیت اقتصاد محلی، منافع و هزینه‌های درک‌شده، حمایت از گردشگری	گورسوی و رادفورد ^۲ ۲۰۰۴
تأثیرات درک شده گردشگری: مثبت و منفی اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، زیست‌محیطی، حمایت از توسعه گردشگری	گورسوی و کندال ^۳ ۲۰۰۷
تأثیرات مثبت و منفی (اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، زیست‌محیطی)، توسعه و برنامه‌ریزی	اویدو- گارسیا و روئیز ^۴ ۲۰۰۸
وابستگی به محل زندگی، نگرش زیست‌محیطی، سطح درگیری در مدیریت گردشگری در سطح محلی، حمایت برای توسعه پایدار	نیکلاس و دیگران ^۵ ۲۰۰۹
علاقه‌مندی و وابستگی به محل زندگی، نگرش بوم‌محور، بهره‌برداری و استفاده ساکنان از منابع گردشگری، وضعیت اقتصاد محلی، درک منافع و هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زیست‌محیطی، نگرش کلی به توسعه گردشگری	گورسوی ۲۰۰۹
منفعت شخصی از گردشگری، رضایت از محل زندگی، درک گردشگران، درک تأثیرات گردشگری، سطح توسعه گردشگری، تراکم گردشگران	وارگاس - سانچز، پورس - بوئنو و پلازا - مجیا ^۶ ۲۰۱۱

منبع: 3, Vargas-Sanchez, Porras-Bueno & Plaza-Mejia, 2011

1. Jurowsky & Gursoy
2. Gursoy & Rutherford
3. Gursoy & Kendall
4. Oviedo-Garcia & (Martin) Ruiz
5. Nicholas

۶. این جدول برگردانی از منبع مذکور است، فقط مورد آخر - که در واقع همان منبع مورد استفاده است - به جدول اضافه شده است.

معرفی ناحیه مطالعاتی

محدوده مطالعاتی از نظر سیاسی - اداری، منطبق با قسمت عمده‌ای از بخش رودبار قصران، شهرستان شمیرانات، مشتمل بر ۲۲ روستای دارای جمعیت ساکن و یک نقطه شهری است که از جاده لشکرک و روستای زردبند در جنوب محدوده آغاز می‌شود و تا سفیدستان در شمال غرب و گرمابدره در شمال شرق ادامه دارد. این منطقه جمعیتی معادل ۱۵۳۲۱ نفر و ۴۵۱۰ خانوار را در خود جای داده است که از این جمعیت ۸۴۰۱ نفر و ۲۴۹۱ خانوار، در روستاها سکونت دارند، و بقیه در مرکز بخش و تنها نقطه شهری، به نام اوشان - فشم - میگون (سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

روستاهاى این منطقه، با توجه به تغییر و تحولات و روندهای فزاینده مهاجرتی دهه‌های اخیر، با کاهش شدید جمعیت بومی روبه‌رو بوده است. نقاط جمعیتی در این منطقه روستایی - کوهستانی در دره‌ها و یا دامنه کوه‌ها گسترش یافته است. آب و هوای آنها به طور کلی سرد و کوهستانی، با زمستان‌های طولانی همراه با بارش مناسب برف و تابستان‌های معتدل است (کریمان، ۱۳۵۵). البته هوای قسمت‌های شمالی به دلیل ارتفاع بیشتر سردتر است و فصل سرما نیز طولانی‌تر است که این مشخصه عملکرد ویژه‌ای (از دهه ۱۳۴۰ بدین سو) به روستاهای شمالی - شمشک بالا و پایین و بعد از آن (اوایل دهه ۱۳۶۰) در دریندسر - در زمینه فعالیت‌های گردشگری و ورزشی زمستانی (اسکی) - بخشیده است.

روش‌شناسی تحقیق

شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق

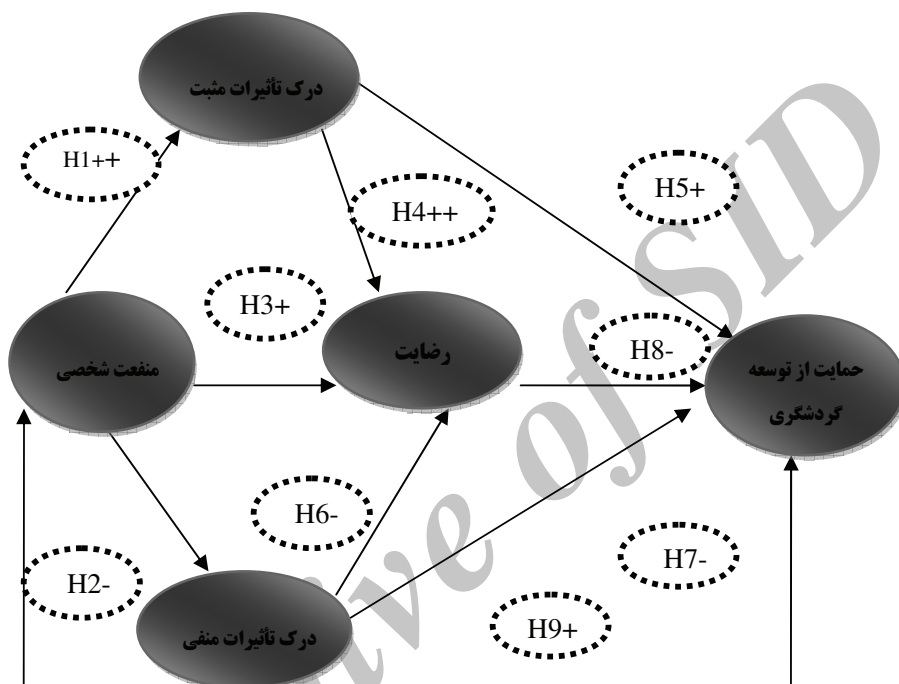
مدل فرضی این تحقیق (شکل ۱)، نمایش گرافیکی ساختارهاست، مبتنی بر ۹ مسیر فرضی متشکل از ۵ ساختار (متغیر) پنهان و متغیرهای آشکار هر یک از آنها (جدول ۲). این مرحله بیش از آنکه کاری آماری باشد، تدوین یک فرض نظری است که بر مبنای آن متغیرهای پنهان و آشکار

مشخص می‌شود. تدوین چنین مدلی مبتنی بر نظریه‌های مرتبط، در واقع بررسی تجربه‌های پیشین با موضوع مورد مطالعه است که محقق عناصر مدل مفهومی را در قالب متغیرهای پنهان و آشکار مشخص و روابط فرضی بین آنها، تعیین می‌کند (کلانتری، ۱۳۸۸، ۴۲).

لیزرل یا مدل معادلات ساختاری، تکنیک تحلیل از مجموعه رگرسیون چندمتغیری است که به پژوهشگر امکان می‌دهد تا تحلیل عامل‌ها و رگرسیون را در قالب مدلی متشکل از ارتباطات متنوع ترکیب کند و به گونه‌ای هم‌زمان مورد آزمون قرار دهد. این مدل عمدتاً زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد، که متغیرها و روابط بین آنها خود قابل ارزیابی نباشند و برای سنجش آنها از متغیرهای دیگر استفاده شود.

از آنجا که متغیرها - چه آشکار و چه پنهان - می‌توانند به عنوان متغیرهای مستقل و وابسته نیز تعریف شوند، در این تحقیق درک تأثیرات (مثبت و منفی) و حمایت از توسعه گردشگری جزو متغیرهای وابسته‌اند؛ و منفعت شخصی و رضایت کلی از روستای محل سکونت در زمره متغیر مستقل هستند.

مدل اولیه از طریق مدل معادلات ساختاری به وسیله نرم‌افزار لیزرل طراحی شد و پارامترهای معنادار نشده حذف گردیدند. این بخش از مدل، که رابطه بین متغیرهای پنهان و قابل اندازه‌گیری را مشخص می‌کند، مدل اندازه‌گیری نامیده می‌شود (Pugesek & Tomer, 2003, 12). تحلیل داده‌ها در دو مرحله صورت گرفت. در مرحله نخست پایایی برای ارزیابی پایداری و سازگاری گزینه‌های مورد سنجش و در مرحله دوم ارزیابی درجه درست‌نمایی و برازش برای مدل معادلات ساختاری و آزمون مسیرهای فرضی انجام شد. به منظور تبیین و تفسیر متغیرهای مستقل و وابسته، و نیز بررسی وضعیت هر متغیر در جامعه آماری، آزمون تی به کار رفته است.



شکل ۱. نمایش گرافیکی مدل فرضی: ارتباط بین ساختارهای پنهان

مبتنی بر ۵ ساختار و ۹ مسیر فرضی

ساختارهای تشکیل دهنده مدل با بهره‌گیری از مقاله‌های متعدد گورسوی و همکاران وی (Gursoy & Jurowski, uysal, 2002 , Yoon & Gursoy, Chen, 2001, Gursoy, &) (Rutherford, 2004, Dyer & Gursoy, 2007, Gursoy & Chi, Dyer, 2009) و همچنین با در نظر گرفتن شرایط گردشگری در محدوده مطالعاتی، انتخاب شده است.

جدول ۲. شاخص‌ها و گویه‌های تحقیق مرتبط با ساختارهای پنهان و آشکار

شماره	ساختارهای پنهان و آشکار
۱	منفعت شخصی (متغیر مستقل)
۱-۱	- ارتباط شغل و درآمد فرد با گردشگری
۲-۱	- ارتباط شغل و درآمد خانوار با گردشگری
۲	درک تأثیرات مثبت (متغیر وابسته)
۱-۲	- اقتصادی: سرمایه‌گذاری‌ها در منطقه افزایش یافته است؛ بالا رفتن قیمت زمین منجر به بهبود وضعیت ساکنان زمین‌دار شده است؛ و مشاغل فصلی و مکمل برای ساکنان فراهم آمده است.
۲-۲	- اجتماعی - فرهنگی: سطح زندگی ساکنان بهبود یافته است؛ تمایل آنان به مشارکت در امور روستا فزونی گرفته است؛ خدمات عمومی بهتر شده است.
۳-۲	- زیست‌محیطی - کالبدی: ساکنان به حفظ محیط زیست‌شان بیشتر علاقه‌مند شده‌اند؛ ساکنان راه‌های حفاظت از محیط زیست را می‌آموزند؛ گردشگری باعث بهبود وضعیت جاده‌ها و حمل‌ونقل می‌شود.
۳	درک تأثیرات منفی (متغیر وابسته)
۱-۳	- اقتصادی: مشاغل و فرصت‌های شغلی مورد نیاز ساکنان به وجود نیامده است؛ منفعت اقتصادی تنها برای گروه بسیار اندکی میسر شده است؛ به افزایش قیمت زمین و مشکل تهیه مسکن به ویژه برای جوانان انجامیده است؛ گردشگری باعث کاهش فعالیت‌های کشاورزی شده است؛ اجناس و خدمات مورد نیاز ساکنان به قیمت گران به دست آنها می‌رسد.
۲-۳	- اجتماعی - فرهنگی: بزهکاری‌ها و فعالیت‌های غیرقانونی فزونی گرفته و امنیت کاهش یافته است؛ افزایش تقاضای خدمات اساسی، دسترسی ساکنان را به این خدمات دشوار کرده است؛ مهاجرت ساکنان رو به فزونی نهاده است.
۳-۳	- زیست‌محیطی - کالبدی: گسترش گردشگری موجب ازدحام اتومبیل‌ها و دشوار شدن پارک آنها در روستا شده است؛ افزایش سروصدا و برهم خوردن آرامش ساکنان؛ سنگین شدن ترافیک در جاده اصلی؛ بروز رفتارهای نامناسب با محیط طبیعی؛ تخریب باغ‌ها بر اثر افزایش ساخت خانه‌های دوم، و تخریب چشم‌انداز روستا به دلیل افزایش خانه‌های دوم آپارتمانی؛ صدمه دیدن جاذبه‌ها و منابع طبیعی بر اثر افزایش گردشگران.
۴	رضایت کلی - از محل زندگی (متغیر مستقل)
۱-۴	- رضایت از خدمات عمومی (آب، برق، و جز آن)
۲-۴	- رضایت از محیط زیست
۳-۴	- رضایت از اقتصاد محلی
۵	حمایت از توسعه (متغیر وابسته)
۱-۵	- سطح حمایت از توسعه گردشگری در سطح منطقه
۲-۵	- سطح حمایت از توسعه گردشگری در سطح روستای محل سکونت

حجم و روش نمونه‌گیری و شیوه گردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری اطلاعات در روش میدانی، تدوین پرسشنامه‌هایی برای دستیابی به اهداف تحقیق بوده است. نمونه‌گیری از ۲۷۰ نفر^۱ از ساکنان روستایی (از همه گروه‌ها) به صورت تصادفی و بدون در نظر گرفتن گروه خاصی انجام شده است. محدوده روستاها بر اساس موقعیت قرارگیری و فاصله، به چهار مجموعه تقسیم شدند^۲. با توجه به اینکه همه این روستاها به شکل‌های مختلف درگیر گردشگری‌اند، در انتخاب روستاهای نمونه تلاش شد تا از همه مجموعه‌ها و محورها نمونه‌گیری به عمل آید. البته روستاهای پرجمعیت‌تر در این انتخاب در اولویت قرار گرفتند، زیرا برخی از این روستاها مانند کلوگان جمعیت روستایی دائمی‌شان را از دست دادند، یا برخی‌شان مانند زردبند جمعیت بومی بسیار اندکی دارند. در مجموع ۵ درصد از جمعیت ۱۰ روستای نمونه انتخاب شد که در جدول ۳ ارائه گردیده است.

جدول ۳. روستاهای نمونه، تعداد جمعیت و تعداد نمونه‌ها

روستا (نفر)	آهار	امامه بالا	امین‌آباد	ایگل	دربندسر	روته	زایگان	حاجی‌آباد	شمشک بالا	پایین شمشک	جمع
جمعیت (نفر)	۷۰۲	۶۷۵	۳۹۰	۴۲۱	۸۴۳	۵۰۸	۴۲۵	۱۴۶	۶۷۲	۴۶۰	۵۲۴۲
نمونه	۳۶	۳۴	۲۰	۲۲	۴۳	۲۶	۲۲	۱۰	۳۴	۲۳	۲۷۰

منبع: سایت مرکز آمار ایران

۱. برآورد تعداد نمونه‌ها با استفاده از فرمول کوکران بر اساس تعداد جمعیت انجام شد.
۲. مجموعه یکم: زردبند، رودک، امین‌آباد، کمرخانی، کلوگان، حاجی‌آباد؛ مجموعه دوم: ایگل، باغگل، آهار، امامه بالا، امامه پایین؛ مجموعه سوم: آب‌نیک، روته، لالان، زایگان و گرمابدر؛ مجموعه چهارم: شمشک بالا، شمشک پایین، دربندسر، جیرود، سفیدستان، دورود.

پرسشنامه مشتمل بر پرسش‌هایی است در سه بخش طرح شده‌اند: بخش نخست، پرسش‌هایی را درباره ویژگی‌های فردی و میزان ارتباط با گردشگری در زمینه ساختار منفعت شخصی در برمی‌گیرد؛ بخش دوم دارای پرسش‌هایی است راجع به دیدگاه فرد درباره تأثیرات گردشگری (پرسش‌ها درباره تأثیرات مثبت و منفی در سه دسته اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زیست‌محیطی)؛ و بخش سوم، پرسش‌هایی کلی را برای رسیدن به جمع‌بندی از نگرش کلی فرد به گردشگری از جنبه حمایت و رضایت روستای محل سکونت، دربردارد. برای پرسش‌ها از مقیاس ۵ نقطه‌ای لیکرت استفاده شد (از ۵ که به معنای کاملاً موافق یا کاملاً راضی است، تا ۱ که کاملاً مخالف یا کاملاً ناراضی است). داده‌های جدول ۴ نیز بر همین اساس‌اند و محاسبه ساختارهای تأثیرات مثبت و منفی، با توجه به وجود سه گویه "اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زیست‌محیطی - کالبدی" انجام گرفته است. دیگر اینکه ۹۸ نفر از پاسخ‌دهندگان (۶۸ درصد) مرد بوده‌اند و ۷۲ نفر (۳۲ درصد) زن؛ و سن آنها بین ۲۰ تا ۶۹ سال طبقه‌بندی شده است.

جدول ۴. روستاهای نمونه و نتایج داده‌ها در طیف لیکرت، براساس نمونه‌های جدول ۳

روستا	منفعت		تأثیرات مثبت			تأثیرات منفی			رضایت		حمایت		
	۱-۱	۲-۱	۱-۲	۲-۲	۳-۲	۱-۳	۲-۳	۳-۳	۱-۴	۲-۴	۳-۴	۱-۵	۲-۵
آهار	۱/۳	۲	۳/۵	۱	۱	۳/۷	۴/۱	۴/۲	۲/۵	۳	۱	۴	۴
امامه بالا	۱	۱	۳/۴	۱	۱	۳/۸	۳/۵	۴/۳	۲/۳	۳/۸	۱	۴/۲	۴/۲
امین‌آباد	۱/۵	۲	۳	۱	۱	۳	۳/۹	۳	۲/۴	۳/۳	۲	۳/۲	۳/۲
ایگل	۲	۲	۳/۸	۱	۱	۳/۲	۴/۲	۳/۹	۳	۴	۱	۴/۴	۴/۴
حاجی‌آباد	۱	۱/۵	۳	۱	۱	۲/۹	۳/۸	۳/۹	۲	۳/۷	۱/۵	۳/۸	۳/۵
روته	۱	۱	۲	۱	۱	۳/۶	۴	۳/۷	۲	۳/۳	۱	۳/۸	۳/۵
زایگان	۱	۲/۳	۳/۲	۱	۱	۴	۳/۲	۳/۸	۱/۸	۳/۹	۱/۹	۴	۴
شمشک پایین	۲	۲/۸	۳/۷	۱	۱	۲/۲	۳/۵	۴/۸	۲/۵	۴/۲	۲	۴/۵	۴/۵
شمشک بالا	۲/۲	۳/۱	۴	۱	۱	۲/۹	۴/۴	۴/۸	۲	۴/۴	۳/۱	۴/۷	۴/۷
دریندسر	۱/۸	۲/۹	۳/۸	۱	۱	۳/۳	۴/۵	۴/۵	۲/۲	۴/۸	۱	۴/۵	۴/۵
جمع	۱/۴۸	۲/۰۶	۳/۳۴	۱	۱	۳/۲۶	۳/۹۱	۴/۰۹	۲/۲۷	۳/۸۴	۱/۴۵	۴/۱۴	۴/۰۵

تحلیل پایایی^۱ و ارزیابی مدل

در این مرحله، پس از وارد کردن داده‌ها، آزمون برازش یا درست‌نمایی داده‌ها به مدل فرضی و ساختارها انجام شد. اما پیش از آزمون مدل سنجش کلی، هر ساختار در این مدل به طور مجزا تحلیل گردید. برای ارزیابی اینکه مدل تا چه حد می‌تواند روابط مشاهده شده بین متغیرهای اندازه‌گیری‌شدنی را توصیف کند، آزمون‌هایی به کار می‌روند. در شاخص CFI مقادیر بزرگ‌تر از ۰/۹۰ پذیرفتنی‌اند و نشانه برازندگی مدل؛ که در این مورد خاص در سطح ۰/۹۹ بوده است. شاخص GFI که مقدار نسبی واریانس‌ها و کوواریانس‌ها را به گونه‌ای مشترک از طریق مدل ارزیابی می‌کند و دامنه تغییرات آن بین صفر و یک است، در سطح ۰/۹۲۶ بوده است، که پذیرفتنی است. شاخص کای‌دو نیز برابر (۱۰۸) ۳۶۰ ($p < 0.01$) بود، و پذیرفته شد. در دو شاخص مطلق برازش دیگر، یعنی RMSR و RMSEA، در عمل مقدار کمتر از ۰/۰۸ برای RMSEA و مقدار کمتر از ۰/۰۵ برای RMSR خوب تلقی می‌شود که در این مطالعه به ترتیب در سطح ۰/۰۴۷ و ۰/۰۵۸ بود و پذیرفته شد؛ و در مجموع سنجش برازش، استفاده از این مدل را تأیید کرد.

تحلیل پایایی برای ارزیابی پایداری و سازگاری گزینه‌های مورد سنجش هر یک از ساختارها انجام شد. پایایی در دو مرحله انجام گرفت که در مرحله نخست، صرفاً ساختارهای تأثیرات مثبت و تأثیرات منفی درک‌شده، ارزیابی گردید؛ زیرا تأثیرات منفی و مثبت هر یک دارای سه دسته‌بندی است و هر دسته متغیرهای معین مربوط به خود را دارد. حذف گزینه همبستگی گزینه - کل تصحیح‌شده^۲ و نیز حذف ارزش‌های متناظر بهبودیافته آلفا^۳ در برنامه SPSS محاسبه گردید. از آنجا که همبستگی (گزینه - کل تصحیح‌شده) زیر ۰/۳۰ پذیرفتنی نیست، مواردی از هر یک از گزینه‌ها حذف شدند. در مرحله نخست پایایی به ترتیب گزینه تأثیرات

-
1. Reliability analysis
 2. Corrected Item-Total Correlation
 3. Cronbach's Alpha if Item Deleted

منفی اقتصادی (۵ گزینه)، تأثیرات منفی اجتماعی - فرهنگی (۳ گزینه) و تأثیرات منفی زیست‌محیطی (۷ گزینه)، بالاترین ضریب آلفا را تأثیرات منفی اقتصادی (۸۱ درصد) و همچنین اجتماعی - فرهنگی و زیست‌محیطی (هر دو ۸۰ درصد) داشتند. تأثیرات مثبت زیست‌محیطی - کالبدی (۳ گزینه)، اقتصادی (۳ گزینه) و اجتماعی - فرهنگی (۳ گزینه) ضریب آلفای زیر ۰/۶۳ را داشتند، اما همبستگی گزینه - کل آنها بالای ۰/۳۰ بود که ملاک و معیاری پذیرفتنی برای پایایی است. ضریب آلفا نیز از ۰/۷۰ عبور کرد و بنابراین استفاده از این گزینه‌ها تأیید شد. مدل مفروض که مبتنی بر ارتباط فرضی بین ۵ ساختار پنهان بود، در دومین مرحله پایایی ارزیابی شد. متغیرهای آشکار مربوط به سه ساختار پنهان منفعت شخصی، نگرش به توسعه گردشگری و رضایت از گردشگری، سه گزینه‌ای بودند که مستقیماً و در یک مرحله ارزیابی شدند (جدول ۷).

جدول ۵. پایایی تأثیرات منفی

انحراف معیار	میانگین	نتایج تحلیل عامل‌ها
تأثیرات اقتصادی		
۰/۹	۳/۶	مشاغل و فرصت‌های شغلی مورد نیاز ساکنان به وجود نیامده است.
۰/۹	۳/۵	منفعت اقتصادی تنها از آن گروه بسیار اندکی است.
۱/۰	۳/۵	افزایش قیمت زمین و مشکل تهیه مسکن برای جوانان را موجب شده است.
۱/۰	۳/۴	گردشگری باعث کاهش فعالیت‌های کشاورزی شده است.
۱/۰	۳/۳	موجب شده است اجناس و خدمات مورد نیاز ساکنان، به قیمت گران به‌دست آنها برسد.
تأثیرات اجتماعی		
۰/۹	۳/۰	جرم و فعالیت‌های غیرقانونی فزونی گرفته و امنیت کاهش یافته است.
۰/۹	۳/۰	ایجاد تقاضای بیشتر برای خدمات اساسی، دسترسی ساکنان را به این خدمات دشوار کرده است.
۰/۹	۳/۱	به افزایش مهاجرت ساکنان دامن زده است.

انحراف معیار	میانگین	نتایج تحلیل عامل‌ها
۱/۰	۳/۴	تأثیرات منفی زیست‌محیطی-کالبدی دامن زدن به ازدحام اتومبیل‌ها و به تبع آن مشکل پارک کردن اتومبیل‌ها در روستا
۱/۰	۳/۶	ایجاد سروصدا و برهم زدن آرامش ساکنان
۰/۹	۳/۶	ایجاد ترافیک سنگین در جاده اصلی
۰/۸	۳/۵	بروز رفتارهای نامناسب با محیط طبیعی
۱/۰	۳/۳	تخریب باغ‌ها بر اثر افزایش ساخت خانه‌های دوم
۰/۷	۲/۸	تخریب چشم‌انداز روستا به دلیل افزایش خانه‌های دوم آپارتمانی
۰/۷	۳/۰	صدمه دیدن جاذبه‌ها و منابع طبیعی بر اثر افزایش گردشگران

جدول ۶. پایایی تأثیرات مثبت

انحراف معیار	میانگین	نتایج تحلیل عامل‌ها
۰/۹	۳/۰	تأثیرات اقتصادی افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در منطقه
۰/۸	۳/۴	افزایش قیمت زمین، و به تبع آن بهبود وضعیت ساکنان زمین‌دار
۰/۸	۳/۰	فراهم آمدن مشاغل فصلی برای ساکنان
۰/۹	۳/۳	تأثیرات اجتماعی ارتقا و بهبود سطح زندگی ساکنان
۰/۸	۳/۶	افزایش تمایل ساکنان به مشارکت در امور روستا
۰/۹	۳/۶	گسترش خدمات عمومی
۰/۹	۳/۰	تأثیرات زیست‌محیطی-کالبدی علاقه‌مندتر شدن ساکنان به حفظ محیط زیست‌شان
۰/۸	۳/۴	فراگیری راه‌های حفاظت از محیط زیست از سوی ساکنان
۰/۸	۳/۵	بهبود وضعیت جاده‌ها و حمل‌ونقل از طریق گردشگری

جدول ۷. تحلیل پایایی ساختارهای پنهان و آشکار

شماره ساختارها	ساختارهای پنهان و آشکار	آلفای کرونباخ
۱	منفعت شخصی	۰/۷۰
۱-۱	- ارتباط شغل و درآمد افراد با گردشگری	-
۲-۱	- ارتباط شغل و درآمد خانوارها با گردشگری	-
۲	درک تأثیرات مثبت	۰/۷۲
۱-۲	- اقتصادی	۰/۶۱
۲-۲	- اجتماعی- فرهنگی	۰/۵۶
۳-۲	- زیست محیطی- کالبدی	۰/۶۷
۳	درک تأثیرات منفی	۰/۷۳
۱-۳	- اقتصادی	۰/۶۷
۲-۳	- اجتماعی- فرهنگی	۰/۵۲
۳-۳	- زیست محیطی- کالبدی	۰/۶۸
۴	رضایت کلی (از محل زندگی)	۰/۶۵
۱-۴	- رضایت از خدمات عمومی (آب، برق، و جز آن)	-
۲-۴	- رضایت از محیط زیست	-
۳-۴	- رضایت از اقتصاد محلی	-
۵	حمایت از توسعه	۰/۸۳
۱-۵	- میزان حمایت از توسعه گردشگری در سطح منطقه	-
۲-۵	- میزان حمایت از توسعه گردشگری در سطح روستای محل سکونت	-

t-Value کمتر از ۰/۰۵. $p < 0.05$ معنی داری در نظر گرفته شد.

یافته‌های تحقیق در مدل معادلات ساختاری

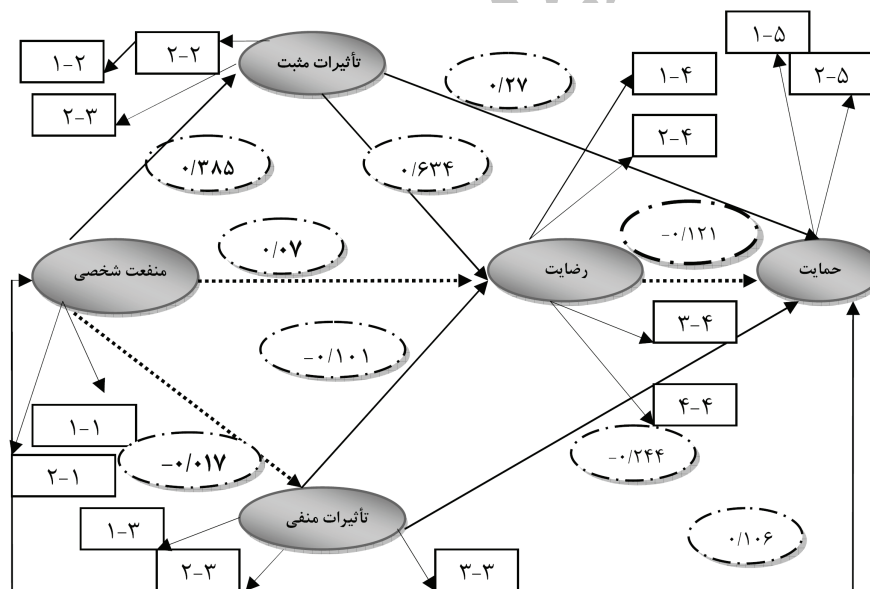
آزمون مسیرهای فرضی با استفاده از آزمون تی انجام گرفت. شش مسیر فرضی در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ تأیید شدند. به منظور تعیین ارتباط بین دو متغیر یا ساختار پنهان از مقادیر بتا (β) استفاده می‌شود. بزرگ بودن مقدار بتا نشان‌دهنده اهمیت و نقش نسبی آن در روابط است. بتا و ارزش تی هر یک از گویه‌ها در جدول ۸ تشریح شده‌اند.

جدول ۸. یافته‌های تحقیق در معادلات ساختاری

شماره	مسیرهای فرضی	یافته‌ها	-/+
H1	ارتباط بین کسب منفعت شخصی و درک تأثیرات مثبت	t=6.16 (p<0.001), β=0.38	+
H2	ارتباط بین کسب منفعت شخصی و درک تأثیرات منفی	t=-0.035 (p<0.05), β=-0.017	-
H3	ارتباط بین منفعت شخصی و رضایت از محل زندگی	t=1.732 (p<0.05), β=0.07	-
H4	ارتباط بین درک تأثیرات مثبت و رضایت از محل زندگی	t=10.10 (p<0.001), β=0.634	+
H5	ارتباط بین درک تأثیرات مثبت و حمایت از گردشگری	t=4.142 (p<0.001), β=0.27	+
H6	ارتباط بین درک تأثیرات منفی و رضایت از محل زندگی	t=-2.319 (p<0.05), β=-0.101	+
H7	ارتباط بین درک تأثیرات منفی و حمایت از گردشگری	t=-5.923 (p<0.001), β=-0.244	+
H8	ارتباط بین رضایت از محل زندگی و حمایت از گردشگری	t=-895.14 (p<0.10), β=-0.121	-
H9	ارتباط بین منفعت شخصی و حمایت از توسعه گردشگری	t=2.635 (p<0.01), β=0.106	+

مطالعات بسیاری مؤید ارتباط بین منفعت شخصی از توسعه گردشگری و درک تأثیرات مثبت آن بوده‌اند. ساکنانی که خود یا خویشاوندان و دوستانشان اشتغال یا درآمدی مبتنی بر گردشگری یا مرتبط با آن دارند، نگرش مساعدتری نیز به گردشگری پیدا می‌کنند. ساکنانی که

از گردشگری منفعت شخصی کسب کرده‌اند، درک‌شان از گردشگری مثبت‌تر است و حتی در برابر رفتار گردشگران نیز اغماض بیشتری نشان می‌دهند. ناگفته نماند که نتایج، ارتباط عمده و مهمی را بین منفعت شخصی و درک تأثیرات منفی نشان نداده است. نتایج حاکی از آن است که رضایت کلی می‌تواند ارتباط مثبتی با منفعت شخصی از گردشگری داشته باشد، اما این ارتباط از نظر اهمیت تنها در سطح $p < 0.05$ است (گویه ۳). در واقع زمانی که منفعت از گردشگری بیش از هزینه‌ها باشد، در همبستگی با ساختار رضایت کلی قرار می‌گیرد. اگر چه منفی بودن گویه مسیر ۸ به لحاظ آماری اهمیت نداشت، اما رد شد. نتایج برخی از تحقیقات حاکی از آن است که نگرش ساکنان به گردشگری می‌تواند مستقیماً با درجه یا میزان توسعه‌یافتگی مقصد، مرتبط باشد. به هر حال جوامع گوناگون ظرفیت‌های متفاوتی در تحمل گردشگران دارند.



شکل ۲. نتایج آزمون مسیرهای فرضی

توجه: خطوط نقطه‌چین مسیرهای فرضی رد شده را نشان می‌دهند؛ اعداد داخل بیضی‌های نقطه‌چین نشان‌دهنده مقدار بتا (β) هستند. ۱: منفعت شخصی؛ ۱-۱: ارتباط شغل و درآمد فرد با گردشگری؛ ۱-۲: ارتباط شغل و درآمد خانواده با گردشگری؛ ۲: درک تأثیرات مثبت؛ ۱-۲: اقتصادی؛ ۲-۲: اجتماعی - فرهنگی؛ و ۳-۲: زیست‌محیطی - کالبدی؛ ۳: درک تأثیرات منفی؛ ۱-۳: اقتصادی، ۲-۳: اجتماعی - فرهنگی؛ و ۳-۳: زیست‌محیطی - کالبدی؛ ۴: رضایت کلی (از محل زندگی)؛ ۱-۴: رضایت از خدمات عمومی (آب، برق، و جز آن)؛ ۲-۴: رضایت از محیط زیست؛ ۳-۴: رضایت از اقتصاد محلی؛ و ۵: حمایت از توسعه؛ و ۱-۵: میزان حمایت از توسعه گردشگری در سطح منطقه؛ و ۲-۵: میزان حمایت از توسعه گردشگری در سطح روستای محل سکونت.

مدل نهایی و تحلیل داده‌ها با رد مسیرهای فرضی H2, H3, H8 و تأیید دیگر مسیرها، مشخص ساخت که منفعت شخصی و درک تأثیرات مثبت گردشگری، ساختاری است که قوی‌ترین ارتباط را در نگرش و حمایت از توسعه گردشگری دارد و این تأثیرات مثبت نیز عمدتاً شاخص‌های اقتصادی همچون اشتغال‌اند. بیشترین موافقت را اغلب کسانی داشتند که خود یا اعضای خانواده‌شان از گردشگری منفعت اقتصادی کسب کرده بودند. در این میان بخش عمده این افراد در امور مربوط به خدمات (عمدتاً رستوران) و یا مشخصاً در گردشگری اسکی فعالیت داشتند، و یا روستاییان زمین‌داری بودند که از فروش اراضی منفعت به دست آورده بودند و نیز افرادی که در کارهای ساختمانی (مربوط به خانه‌های دوم) فعالیت داشتند. از دیگر سو، به دست نیاوردن منفعت اقتصادی و ازدحام جمعیت و خودروهای شخصی در روستاها و ترافیک سنگین جاده‌ای در روزهای تعطیل، از مهم‌ترین دلایل نارضایتی ساکنان روستا از گردشگری بود. ساختارهای دیگری نیز در نگرش و میزان حمایت از توسعه گردشگری تأثیرگذار هستند. میان ساختار رضایت کلی ساکنان از روستای محل سکونت‌شان و درک تأثیرات مثبت و منفی گردشگری، رابطه معناداری به چشم می‌خورد، که مستقیماً منجر به حمایت یا عدم حمایت از توسعه گردشگری می‌شود. این ساختار می‌تواند در ارزیابی درک ساکنان از تأثیرات گردشگری برای توسعه آن به کار رود. این نتایج از یک سو حاکی از آن‌اند

که به رغم منافع مشاهده‌شده گردشگری، ساکنان هزینه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی را نیز درک کرده‌اند. از دیگر سو، نتایج از وجود ارتباط مثبت معناداری میان درک منافع اقتصادی و حمایت از گردشگری در منطقه مطالعاتی حکایت دارند.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق به بررسی نگرش جامعه محلی (روستایی) و ظرفیت‌های حمایت آن از توسعه گردشگری در منطقه کوهستانی رودبارقصران پرداخته شده است. تحلیل داده‌ها براساس متغیرهای تأثیرگذار مدل مفروض تحقیق، مبتنی بر ۹ مسیر فرضی و متشکل از ۵ ساختار پنهان، انجام گرفت و در این تحلیل داده‌ها شش گویه در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ تأیید شدند. نتایج کمی تحقیق ضمن تأیید نظریه تبادل اجتماعی و وجود ارتباط بین ساختار کسب منفعت شخصی و حمایت از گردشگری، در مقایسه با نتایج تحقیقات متعدد گورسوی و همکاران وی، معلوم ساخت که اگرچه درک تأثیرات مثبت گردشگری (به ویژه اقتصادی)، ساختاری است که بیشترین تأثیر را در تعیین نگرش و حمایت از توسعه آن در این منطقه دارد، اما ساختارهای دیگری نیز در این حیطه دخیل‌اند، که می‌بایست در برنامه‌ریزی توسعه گردشگری در نظر گرفته شوند. با توجه به اینکه درک ساکنان از تأثیرات و سطح حمایت آنها از مقصدهای گوناگون متفاوت است، تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی - فرهنگی نیز گاه با تأخیر توجه ساکنان را جلب می‌کنند. البته چه بسا همان‌گونه که یون و گورسوی (۲۰۰۷) اشاره می‌کنند، گردشگری ارتباط مستقیمی با میزان توسعه‌یافتگی جامعه محلی دارد؛ به این معنا که اگر جامعه محلی از نظر اقتصادی توسعه‌یافته باشد، تأثیرات منفی زیست‌محیطی و همچنین فرهنگی، بر نگرش و حمایت آنان تأثیر می‌نهد. در عین حال، ساکنان عمدتاً تمایل‌شان به گردشگرانی که با آنان و محیط زیست‌شان با احترام برخورد می‌کنند، بیشتر است. به عنوان نمونه، در این منطقه ساکنان نگرش مثبتی به کوهنوردان دارند، زیرا آنها را افرادی علاقه‌مند و آگاه به محیط زیست می‌دانند. گاه ساکنان محلی، مخالف یا موافق گونه خاصی از گردشگری هستند. صرف‌نظر از این نتایج کمی، براساس مشاهدات میدانی و ارتباط مستقیم با ساکنان،

می‌توان گفت اگرچه به دلیل فقدان وجود برنامه‌ریزی و مدیریت — که آنها را می‌توان جزو عوامل بیرونی دخیل برشمرد — هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی گردشگری برای ساکنان روستایی، بیش از منافع آن بوده است، اما اکثریت آنان بیان داشتند که در صورت کاهش تأثیرات منفی، به طور کلی مخالفتی با توسعه گردشگری ندارند.

در مجموع، اگرچه این مطالعه مؤید ارتباط بین درک ساکنان از تأثیرات گردشگری بوده، لیکن گاه نیز نشان از قابلیت اطمینان ضعیفی داشته است. علت این امر چه بسا این باشد که روستاهای منطقه از نظر توسعه‌یافتگی (چه در فعالیتهای گردشگری و چه دیگر فعالیت‌ها) در سطوح هم‌سانی نیستند. از این رو ساکنان روستاهای توسعه‌یافته‌تر (به لحاظ اقتصادی یا فعالیتهای گردشگری)، درک بهتری از گردشگری و هزینه و منفعت آن دارند و تمایل بیشتری به حمایت آن، بروز می‌دهند. در کنار همهٔ موارد، نکته تعیین‌کنندهٔ عمده و مهمی نیز به چشم می‌خورد و آن وجود وجه مشترکی بین موافقان و مخالفان گردشگری است. وجه مشترک، این است؛ در صورتی که مقصد به هر شکلی در حال تأثیرپذیری منفی از گردشگری باشد، جامعه محلی — چه با نگرش مثبت و چه منفی به گردشگری — تمایل بسیاری به درگیری و مشارکت در برنامه‌های توسعهٔ گردشگری بروز می‌دهد. ارتقای تأثیرات مثبت اقتصادی و همچنین کاهش تأثیرات منفی زیست‌محیطی (از طریق کاربرد برنامه‌های حفاظت) و آموزش جامعه محلی، می‌تواند تأثیر عمده‌ای در نگرش و افزایش حمایت آنان داشته باشد.

منابع

افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، داوود مهدوی و مهدی پورطاهری، ۱۳۸۹، **فرآیند بومی‌سازی شاخص‌های توسعه پایدار گردشگری روستایی در ایران**، پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره ۴، صص ۴۱-۱.

دادورخانی، فضیله و مسعود نیک‌سیرت، ۱۳۸۹، **برنامه‌ریزی راهبردی طبیعت‌گردی در روستاهای نواحی بیابانی**، مطالعه موردی روستای خرانق، استان یزد، مجله پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره ۴، صص ۷۲-۴۳.

رضوانی، محمدرضا و جواد صفایی، ۱۳۸۴، گردشگری خانه‌های دوم و اثرات آن بر نواحی روستایی، فرصت یا تهدید (مورد: نواحی روستایی شمال تهران)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۴، صص ۱۰۹-۱۲۱.

سایت مرکز آمار ایران: www.amar.org.ir.

ضیایی، محمود، زهرا، صالحی‌نسب، ۱۳۸۷، گونه‌شناسی گردشگران خانه‌های دوم و بررسی اثرات کالبدی آنها بر نواحی روستایی، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۶، صص ۸۴-۷۱.

کریمان، حسین، ۱۳۵۵، قصران (کوهساران) مباحث تاریخی و جغرافیایی و اجتماعی و مذهبی منطقه کوهستانی ری باستان و تهران کنونی، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.

کلاتری، خلیل، ۱۳۸۸، مدل‌سازی معادلات ساختاری در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی، فرهنگ صبا، تهران.

Beyers, Elizabet & Janet, Pratt, 1998, **Community-based Mountain Tourism: Practices for Linking Conservation with Enterprise, Mountain Forum(A Global Network for Mountain Communities)**, Environment and sustainable development, PP.1-18.

Bramwell, Bill & Angela, sharman, 2000, **Approaches to Sustainable Tourism Planning and Community Participation**, (Tourism and sustainable Community Development).

Dyer, Pam, Dogan, Gursoy, 2007, **Structural Modeling of Resident Perceptions of Tourism and Associated Development on Sunshin Coast Australia**, Tourism Management, Vol. 8, PP. 409-422.

Fust, Walter, 1999, **Mountains of the World: Tourism and Sustainable Mountain Development Mountain Agenda**, Institute of geography, university of Berne, Switzerland, PP. 450-465.

Gursoy, Dogan & Claudia, Jurowski, Muzaffer, uysal, 2002, **Resident Attitudes Structural Modeling Approach**, Annals of Tourism Research, Vol. 29, No. 1, PP. 79-105.

Gursoy, Dogan, & Christina G. Chi, Pam, Dyer, 2009, **AN Examination of Locals Attitudes**, Annals of Tourism Research, Vol. 36, No. 4, PP. 723-726,

- Gursoy, Dogan, & Denney Rutherford, 2004, **Host Attitudes Toward Tourism an Improved Structural Nodel**, Annals of tourism research vol. 31, No. 3, PP. 495-516.
- Jackson, Mervyn S. & Robert J, Inbakaran, 2006, **Evaluating Residents Attitudes and Intentions to Act towards Tourism Development in Regional Victoria**, Australia, international Journal of Tourism research, int. J. tourism, Res. 8, PP. 355-366.
- Ko, Dong-Wan & William, Stewart, 2002, **A Structural Equitation Model of Residents Attitudes for Tourism Development**, tourism management, 23, PP. 521-530.
- Liu, chun-Chu, 2005, **Residents Attitude to Rural Tourism Development in South Taiwan**, Journal of applied sciences, 5(8), PP. 1363-1368.
- Osti, Linda & Juan Gabriel Brida, Michela Faccioli, 2009, **Residents' Perception and Attitudes towards Tourism Impacts: a case study of the small rural community of Folgaria (Trentino – Italy)**, Competence Centre in Tourism Management and Tourism Economics (TOMTE), PP. 1-9, Electronic copy available at <http://ssrn.com/abstract=1481149>.
- Pugesek, Bruche, Adrian Tomer, 2003, **Structural Equation Modeling**, Cambridge unersvity press, PP. 1-16.
- Vargas-sanchez, Alfonso, & Nuria Porras-Bueno, Maria Plaza-Mejia, 2011, **Explaining Residents Attitudes to Tourism, Is a Universal Model Possible?** Annals of tourism research, Vol (aricle in press), PP. 1-20.
- Wang, Yasong, 2006, **Residents Attitudes toward Tourism Development: A case study of Washington**, NC, Proceeding of 2006 Nourthern recreation research symposium, PP. 411 - 418.
- Yoon, Yooshik & Dogan Gursoy, Joseph Chen, 2001, **Validating a Tourism Development Theory with Structural Equitaion Modeling**, Tourism management, 22, PP. 363-372.
- Yutyunyong, Tranakjit, 2009, **The Integration of Social Exchange Theory and Social Representations Theory, A New Perspective on Residents Perception Research**, PP. 1-22. <http://www.tourism.uq.edu.au>.